

معنی‌های «ابتلاء» در لغت‌نامهٔ دهخدا

معصومهٔ امینیان (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

در لغت‌نامهٔ دهخدا برخی معنی‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که بدون شاهد ارائه شده‌اند، معنی اصلی خود مدخل نیستند. برای مثال در انتهای مدخل «ابتلاء» این معنی‌ها درج شده‌اند: آب به دهان گرفتن؛ آب به بینی گرفتن؛ مسواک کردن؛ موی شارب باز کردن؛ تقصیر کردن؛ موی زهار ستردن؛ استنجا کردن؛ ناخن گرفتن؛ موی بن بغل تراشیدن؛ ختنه کردن.

در فرهنگ‌های فارسی و عربی دردسترس هیچ‌یک از معنی‌های بالا برای «ابتلاء» درج نشده‌است. نگارنده برای بررسی بیشتر به پیکرهٔ رایانه‌ای گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مراجعه کرد. در این پیکره همهٔ این موارد در کنار هم در چند متن تفسیری از جمله تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۸، ص ۸۷ و ۸۸)، تاج‌التراجم (اسفراینی ۱۳۷۵، جلد ۱، ص ۱۵۲)، لسان‌التزیل (۱۳۴۴، ص ۲۰۷)، کشف‌الاسرار (میبیدی ۱۳۳۱، جلد ۱، ص ۳۴۵)، تفسیر ابوالفتوح (ابوالفتوح رازی ۱۳۷۱، جلد ۲، ص ۱۴۰) و تفسیر گازر (جرجانی ۱۳۳۷، جلد ۱، ص ۱۴۳ و ۱۴۴) در تفسیر و شرح واژهٔ «کلمات» از آیهٔ ۱۲۴ سورهٔ بقره (و اذ ابتلی ابرهیم ربه بکلمات) ذکر شده‌است.

در این تفسیرها، در شرح واژهٔ «کلمات» تفسیرها و تعبیرهای مختلفی آمده‌است که آوردن همهٔ آن‌ها در اینجا ضروری نیست، ولی ذکر این نکته ضروری است که

معنی‌های یادشده برای «ابتلاء» در لغت‌نامه، نه معنی «ابتلاء» هستند و نه معنی «کلمات»، بلکه فقط تفسیرهایی از واژه «کلمات» در آیه مذکورند. برای مثال یکی از تفسیرها را که از عبدالله بن عباس نقل شده می‌آوریم:

چون آزموده کرد خداوند تعالی مر ورا به فرمان‌هایی که مر ورا فرمود... و آن‌چنان بود که ایزد تعالی از ابرهیم - علیه‌السلام - ده چیز اندرخواست. از آن پنج اندر سر است: یکی آب اندر دهان کردن، و آب اندر بینی کردن و سبلت پست داشتن و مسواک کردن و موی سر فرق کردن. و پنج اندر تن است: از آن یکی ناخن پست کردن، و بغل پاک داشتن و زیر ناف را پاک کردن و به آب استنجا کردن و ختنه کردن (تفسیر قرآن پاک ۱۳۴۸، ص ۸۷ و ۸۸).

از میان فرهنگ‌هایی که پس از لغت‌نامه دهخدا نوشته شده، هیچ‌یک معنی‌های مذکور را برای «ابتلاء» نیاورده‌اند؛ فقط در لغت‌نامه فارسی (دبیرسیاقی و دیگران ۱۳۶۳ به بعد، ص ۱۰۸۴) ذیل «ابتلاء»، پس از نقل همه این معنی‌ها از لغت‌نامه دهخدا، افزوده شده است که «این معانی در فرهنگ‌های عربی نیست». نمونه فوق نشان می‌دهد که شاهد، کمک مؤثری است برای فرهنگ‌نویس تا معنی‌های دقیق واژه‌ها را بیابد و معنی‌های غیر اصیل را که شاهدهی نداشتند، رها کند.

منابع:

- ابوالفتوح رازی (۱۳۷۱)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (= تفسیر ابوالفتوح رازی)، به کوشش محمدجعفر یاققی و محمدهدی ناصح، آستان قدس رضوی، مشهد.
- اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفوربن طاهر بن محمد (۱۳۷۵)، *تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، تصحیح نجیب مایل هروی و علی‌اکبر الهی خراسانی، علمی و فرهنگی، تهران.
- تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۸)، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۳۷)، *تفسیر گازر*، به تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، رنگین، تهران.
- دبیرسیاقی، محمد (و دیگران) (۱۳۶۳ به بعد)، *لغت‌نامه فارسی*، ۳۲ جزوه شامل حرف‌های «آ» و «الف» و قسمتی از «ب»، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران.
- لسان‌التنزیل (۱۳۴۴)، به اهتمام مهدی محقق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۳۱) *کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار*، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، مجلس، تهران.